

چرا آمریکا به دنبال جنگ گسترده نیست؟

حمیدرضا غلام‌زاده

کاشفان مسائل بین‌الملل

سیاست خارجی ایالات متحده در سال‌های اخیر به شدت بر مقابله با رقیب جهانی کلیدی متمرکز بوده است. سه دشمن اصلی ژئوپلیتیکی که در حال حاضر اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده را تعیین می‌کنند، چین، روسیه و ایرانند. هر یک از این کشورها چالش‌های خاصی برای ایالات متحده به‌شمار می‌آیند که نیازمند رویکردهای متفاوتی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و فناوری‌اند.

چین

ایالات متحده چین را به‌عنوان رقیب استراتژیک اصلی خود به‌ویژه در منطقه هند و اقیانوس آرام، می‌بیند. رشد قدرت نظامی چین به‌ویژه در دریای چین جنوبی، پیشرفت‌های سریع آن در حوزه فناوری (مانند هوش مصنوعی و 5G) و توسعه اقتصادی‌اش از طریق پروژه‌های بی‌نظیر «بنتاکر کمربند و جاده» باعث شده آمریکا دغدغه جدی برای مهار نفوذ چین داشته باشد. در پاسخ به این چالش سیاست آمریکا بر تقویت اتحاد با شرکای منطقه‌ای مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا (کواد یا گروه چهار) و همچنین افزایش حضور نظامی در منطقه هند و اقیانوس آرام (پیمان آوکوس با انگلیس و استرالیا) متمرکز شده است.

روسیه

علاوه بر سابقه رقابت دوران جهان دوقطبی، ایالات متحده همواره روسیه را به‌عنوان تهدیدی مهم تلقی کرده است و برای مهار قدرت نظامی و نفوذ سیاسی روسیه در اروپا، به گسترش ناتو و حمایت از اوکراین متمرکز کرده است. از سال ۲۰۲۲ و شروع جنگ در اوکراین، واشنگتن توانسته است این رقیب قدیمی را درگیر جنگ کرده و با هزینه‌ای از جیب اروپا مستکورا مهار کند.

ایران

برای دولت آمریکا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی مرکزی در خاورمیانه تلقی می‌شود. سیاست ایالات متحده در قبال ایران در طول این چند دهه تغییر کرده است. اگرچه در دو دهه اول پس از انقلاب آمریکا امید داشت بتواند انقلاب

را از بین برده و نظام با سرنگون کند، اما پس از آن امید چندانی به این گزینه وجود ندارد و راهبرد این کشور به سمت مهار و کنترل ایران تغییر کرده است. به‌طور کلی، ایالات متحده سعی دارد نفوذ ایران در منطقه را از طریق تحریم‌های اقتصادی، حضور نظامی و حمایت از متحدان منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی محدود کند.

وضع کنونی

بعد از حملات آمریکا به افغانستان و عراق در دهه اول قرن بیست و یکم و هم‌زمان با فرسایشی شدن جنگ‌ها و شکست سیاست این کشور در قبال غرب آسیا، دولت آمریکا از دوره اوباما متوجه جدی بودن تهدید راهبردی چین شد و تصمیم به تغییر رویکرد خود و انتقال تمرکز به شرق گرفت. در همین راستا راهبرد دولت اوباما در منطقه ایجاد موازنه قدرت بین رژیم صهیونیستی، اعراب و ایران برای ثبات منطقه و راه‌حل ۲ دولتی برای ثبات داخلی در سرزمین‌های اشغالی بود تا بتواند بدون تنش در بازار انرژی غرب آسیا، تمرکز خود را به سمت شرق گسیل دارد. مقدمه این راهبرد تضعیف ایران از طریق گسترش جنگ تروریستی در سوریه به‌دو تاهم سوریه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم جبهه مقاومت در همسایگی سرزمین‌های اشغالی تضعیف هم مسیر ارتباطی ایران تا لبنان دچار اختلال شود. اما با سیاست ایران برای مبارزه با تروریسم و شکست داعش در منطقه و فرصت شناسی معنم ایران در همراه کردن روسیه در این منازعه راهبرد اوباما ناموفق باقی ماند.

در دوره ترامپ رویکرد آمریکا باه این سمت پیش رفت که از طریق تطمیع و طرح موسوم به مسلح ایرجهی اعراب رازیر چتر رژیم صهیونیستی آزرده و تقابل با ایران را جدیت بخشید؛ در عین حال در سرزمین‌های اشغالی نیز با انتقال سفارت به بیت‌المقدس عملا به سمت اشغال کل اراضی حرکت کرد. با روی کار آمدن بایدن ترکیبی از این دو راهبرد مشاهده می‌شد که از یک سو موافق تداوم صلح ایرجهیی بود تا موجب انزوی ایران به‌عنوان وصله ناجور و کاسه داغ‌تر از آش جهان اسلام در مقابل رژیم صهیونیستی معرفی شود و از سوی دیگر راه‌حل ۲ دولتی را مجددا مطرح کند.

در شرایطی که عرصه تقابل با ایران و روسیه در شرایط معقولی برای واشنگتن تلقی می‌شد و همه چیز بجز افزایش تنش در مقابل چین آماده بود، عملیات طوفان الاقصی یک ضربه کاری به‌هیمنه و ابهت رژیم صهیونیستی و همچنین راهبرد آمریکا

عکس جلسه جبهه پایداری با مسعود پزشکیان بازتاب‌های جالبی داشت

شاید برای شما هم اتفاق بیفتد

یکی از احزاب اصولگرایی به شمار می‌رفت که تقریباً بیشترین چالش را با اصلاح‌طلبان آن‌هم در کارزار انتخابات داشتند و شکاف و اختلاف نظر آنها با اصلاح‌طلبان تقریباً بیشتر موارد و موضوعات کلیدی آنها را شامل می‌شود. تفاوت نظر در مورد سیاست خارجی، مذاکره با آمریکا و حتی نوع مواجهه و برخورد با افکار عمومی و نگاه آنها به فرهنگ، فرسنگ‌ها با یک‌دیگر فاصله دارد و حتی در مواردی نیز اصطکاک پیدا می‌کند. برگزاری این جلسه توسط رئیس‌جمهور را می‌توان در راستای شعار وفای ملی دولت در سطح سیاستمداران دانست. برگزاری چنین جلساتی اتفاق مثبتی است که چند باری نیز توسط دولت شهید رئیسی صورت گرفته بود. اولین اثر برگزاری این جلسه را می‌توان کم‌رنگ کردن اختلاف‌ها میان گروه‌ها و سلاطین سیاسی دانست که حتی اختلاف نظرهای زیادی با یک‌دیگر دارند. علاوه براین نیز این پیام را به افکار عمومی منتقل می‌کند که احزاب با وجود اختلاف نظر با یک‌دیگر، در مورد موضوعات و مسائل مختلف کشور با هم تبادل نظر می‌کنند. این جلسه همچنین این تصویر را برجسته می‌کند که دیگر موسم روزها و رقابت‌های انتخاباتی به پایان رسیده و حالا احزاب و سلاطین مختلف سیاسی به دور از تسویه حساب‌های سیاسی باید به دنبال حل مشکلات و مسائل مردم باشند و در این راستا اگر لازم باشد باید دور یک میز هم بنشینند.

چرا آمریکا به دنبال جنگ گسترده نیست؟

در منطقه و جهان وارد آورد. پرواضح است که دولت آمریکا حمایت از رژیم اشغالی راوظیفه بی‌تردید خود می‌داند. امنیتی تواند تمام‌سیاست خارجی خود را قربانی این منطقه کند. بنابراین از همان روزهای آغازین درگیری در غزه نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا به کمک رژیم صهیونیستی رفتند و از ضربه بیشتر تا حدودی جلوگیری کردند. در طول این یک سال نیز آمریکا از ورود علنی به صحنه درگیری خودداری کرده و در عملیات وعده صادق نیز در قامت دفاع از رژیم صهیونیستی وارد میدان شد.

جنگ گسترده

در عین حال در تمام این مدت ایالات متحده از رودرویی و درگیری مستقیم با ایران اجتناب داشته‌است. از روزهای آغازین طوفان الاقصی، واشنگتن بارها تاکید داشت نشانه‌ای از اطلاع و مداخله ایران وجود ندارد و تهران نقشی در این عملیات نداشته‌است. در طول این مدت نیز در اتفاقات مهم و تروهای فرماندهان و مقامات جبهه مقاومت با اظهار بی‌اطلاعی به دنبال سلب مسئولیت از خود بوده‌است. آمریکا دو دهه تلاش برای اشغالگری نظامی و جنگ در این منطقه را تجربه کرده و در مقابل طالبان و عراق توانسته‌است به اهداف راهبردی خود دست یابد. در سوریه نیز تجربه تقابل غیرمستقیم با ایران را از سرگذراند و بارها از خط قرمزهای اعلامی خود از جمله ضرورت سقوط بنشار اسد و اد‌عای استفاده از سلاح شیمیایی عقب‌نشینی کرد و توانست اقدام مؤثری انجام دهد. با چنین سابقه‌ای آمریکا به خوبی می‌داند رویارویی مستقیم با ایران یک باتلاق عمیق برای این کشور خواهد بود که او را هم وارد معرکه‌ای می‌کند که قدرت مدیریت آن را ندارد و هم او را از مهار چین باز خواهد داشت. مضاف بر این، تمام دارایی‌های راهبردی آمریکا در این منطقه به اهداف مشروع ایران تبدیل خواهد شد و ناآنگان دریایی و پایگاه‌های نظامی‌اش در منطقه در تیررس موشک‌های ایران خواهد بود و توان دفاعی لازم برای مراقبت از آنها وجود نخواهد داشت.

جنگ با ایران به معنای تنش در دو تنگه راهبردی جهان و اختلال در بازار نفتی خواهد بود که تمام دنیا را متأثر خواهد کرد و در این میان - مشابه دوران کرونا- چین تنها کشوری خواهد بود که تنش اقتصادی کمتری خواهد داشت و فاصله خود با آمریکا را کاهش خواهد داد. تنش اقتصاد جهانی سرعت آمریکا در رشد فناوری را کم خواهد کرد و در شرایط کنونی که این کشور در رقابت نیمه‌سازنا‌ها یک نسل عقب‌تر از چین است، آمریکا را در رقابت فناوری چند دهه عقب خواهد انداخت؛

نکته قابل توجه در این خصوص توافق دو حزب اصلی آمریکا در موضوع جنگ فناوریانه‌است که هم در دوره ترامپ به دنبال مهار سرعت چین در پیشروی در حوزه فناوری نسل پنچ ارتباطات بودند و به بازداشت مدیران هوآوی نیز موتمل شدند و در کنفرانس امنیتی مونیخ نیز تنها به همین میحث پرداختند؛ و هم در ابتدای دوره بایدن با راری مثبت و بالایی دوحزبی بود چه هفتگنی را برای شتاب دهی به تولید میکروچیپ‌های نسل بالاتر در آمریکا اختصاص دادند و محدودیت‌های اقتصادی روی محصولات فناوریانه چینی اعمال کردند.

در شرایط فعلی جهان، آمریکا به خوبی می‌داند در صورت درگیری حضور ی و مستقیم در منطقه غرب آسیا تمام سیاست خارجی‌اش تحت تاثیر قرار خواهد گرفته و نقش بر آب خواهد شد. علاوه بر این، ورود آمریکا به جنگ در غرب آسیا، فرصت معتنمی برای چین و روسیه خواهد بود تا از تنگناهای خود بیرون آمده و برای تضعیف و تداوم درگیری آمریکا در این منطقه مشارکت کنند. به همین دلیل‌است که حتی اگر عواقب گسترده‌تر جنگ مستقیم ایران و آمریکا برای سایر بازیگران از جمله اروپاییان را در نظر بگیریم، صرفاً نتایجی که برای ایالات متحده در بر خواهد داشت، شکست راهبردی سنگینی را برای آنها به ارمغان خواهد آورد که می‌تواند روند آفول قدرت این کشور را تسریع کند. رژیم صهیونیستی با اطلاع از تعهد آمریکا و نیاز این کشور به حفظ رژیم صهیونیستی، در طول یک سال اخیر تلاش داشته‌اند چه با موافقت و چه با مخالفت واشنگتن مسیر مورد نظر خود را پیش ببرند و اطمینان داشته‌اند ایالات متحده در هر صورت از این رژیم دفاع خواهد کرد. از طرفی هم به دلیل تضعیت ساختار سیاسی آمریکا در آستانه انتخابات و تغییر دولت، تل‌اویو عجولانه دست‌به اقدامات افسارگسیخته می‌زند تا از این فرصت استفاده کرده و دستاوردهای راهبردی با ضربه عمیق به جبهه مقاومت دست و پا کند. در میان سه بازیگر اصلی این رقابت یعنی ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی هیچ کدام به دنبال رویارویی مستقیم نیستند اما رژیم رژیم صهیونیستی تلاش دارد با افزایش تنش بین دو بازیگر دیگر درگیری مستقیم ایجاد کند. اما با توجه به شرایطی که مطرح شد آمریکا به خوبی می‌داند در صورت ورود مستقیم به جنگ عواقب جبران‌ناپذیری را متحمل خواهد شد که سرنوشت و آینده راهبردی خودش را به مخاطره می‌اندازد. لذا در عین تداوم رویکرد دفاعی خود، از مواجهه مستقیم درگیری با ایران پرهیز خواهد کرد تا گام در این باتلاق مرگبار نگذارد.

فرهنگیگان



۳۰۰۰ اهل سنت در صف اول دفاع از وحدت ملی و مذهبی ایران

ناکامی پروژه تفرقه قومی – مذهبی

درباره تبعیض سیستماتیک علیه اهل سنت در ایران را مطرح کردند. گزارش‌های سازمان‌هایی مثل عفو بین‌الملل که بدون بررسی دقیق به نقض حقوق بشر در این مناطق می‌پردازند، بهانه‌ای برای تجزیه‌طلبان فراهم آورد تا اقدامات خود را به‌عنوان مبارزه برای حقوق بشر معرفی کنند. درحالی که بسیاری از این گروه‌ها از روش‌های خشونت‌آمیز تروریستی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند، این سازمان‌ها در گزارش‌های خود به جای پرداختن به این خشونت‌ها، بیشتر روی مسائل قومی و مذهبی متمرکز و زمینه‌های حمایت بین‌المللی از این گروه‌ها فراهم می‌کردند. انتشار درگاه‌های پرداخت کمک‌های مالی به گروه‌ک تروریستی جیش‌العدل در کانال‌های خبری رژیم صهیونیستی و دیدار مقامات گروه‌ک تروریستی الاخوانیه مصادیقی از بی‌رویداری‌های ایران ستیزانه‌ای از گزارش‌های مغرضانه سازمان‌های مدعی حقوق بشر است. سازمان‌هایی که از تصویب یک قطعنامه ضد اسرائیلی به خاطر جنایات یک سال اخیر این رژیم بازمانده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز تلاش برای مشروعیت بخشی به تجزیه‌طلبی در ایران این‌توان در حمایت رسانه‌ها و سازمان‌های غربی از گروه‌های تجزیه‌طلب در استان‌های مرزی مشاهده کرد. این رسانه‌ها به صورت مداوم تلاش می‌کنند که اعتراضات محلی و صنفی در این مناطق را به‌عنوان جنبش‌های سیاسی و جدایی طلبانه معرفی کنند. به‌عنوان مثال، در جریان اعتراضات سال‌های اخیر در سیستان و بلوچستان و کردستان، برخی رسانه‌های غربی و عربی با برجسته‌سازی چهره‌های سیاسی و مذهبی که از نظام جمهوری اسلامی فاصله گرفته‌اند، تلاش کردند به این جریان‌ها مشروعیت بین‌المللی بدهند. آنها را به‌عنوان نمایندگان واقعی مردم این مناطق معرفی کنند. این حمایت‌های رسانه‌ای و سیاسی خارجی، هرچند در سطح بین‌المللی تبلیغاتی برای تجزیه‌طلبان فراهم کرد اما در داخل کشور، با هوشیاری مردم و نهادهای امنیتی و بانا آکید بر وحدت میان اقوام و مذاهب، این تلاش‌ها ناکام ماند. اتهام‌زنی‌ها به ایران برای تحریک اقلیت‌های قومی و مذهبی به‌ویژه جامعه بزرگ اهل سنت ایران درحالی صورت می‌گیرد که جامعه اهل سنت ایران در بسیاری از مناطق، از جمله سیستان و بلوچستان، کردستان و خراسان جنوبی، در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت فعالی دارند و حتی در دهه‌های بالای مدیریت و اجرایی نظام نیز حضور دارند. به‌عنوان مثال، انتخاب نمایندگان اهل سنت در مجلس شورای اسلامی و حضور چهره‌های اهل سنت در پست‌های مهم محلی و ملی، نشان دهنده این مشارکت گسترده است. علاوه بر این اقدامات

و تلاش‌های ایران در حوزه وحدت اسلامی، مانند برگزاری همایش‌های بین‌المللی وحدت اسلامی و دیدارهای رهبر انقلاب با علمای اهل سنت، همواره به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تقویت همبستگی و جلوگیری از دسیسه‌های دشمن بوده است. این اقدامات نشان می‌دهد ایران نه‌تنها به دنبال حل مشکلات داخلی در قالب تعامل و گفت‌وگوست، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز به دنبال تقویت وحدت اسلامی و مبارزه با جریان‌های تفرقه افکن است.

علمای اهل سنت نقشه تفرقه را باطل کردند

دیدار علمای اهل سنت با رهبر معظم انقلاب، به‌عنوان یک نقطه مهم در مسیر مبارزه با پروژه تفرقه تلقی می‌شود. این جلسه که با حضور چهره‌های برجسته‌ای همچون عبدالرحمان چابهار، از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان و امام جمعه چابهار، مولوی عبدالرحیم خطیبی (از علمای اهل سنت هرمزگان و امام جمعه قشم) و ماموستا عبدالسلام امامی (از علمای اهل سنت آذربایجان غربی و امام جمعه مهاباد) برگزار شد، نمای از اتحاد و همبستگی آنان با نظام جمهوری اسلامی بود. رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار، با تأکید بر نقش ارزشمند اهل سنت در تاریخ ایران و انقلاب، به مشارکت گسترده آنان در عرصه‌های مختلف، از جمله دوران دفاع مقدس اشاره کرد و بیان داشتند جامعه اهل سنت علی‌رغم تلاش‌های دشمن، در مقابل توطئه‌های استادگی کرده و همچنان به‌عنوان بخشی اساسی از جامعه ایران در حفظ وحدت و استقلال کشور مؤثر است. ایشان به فداکاری‌ها و شهدای اهل سنت در دفاع از انقلاب اشاره کردند و اتحاد اسلامی را کلید عزت امت اسلامی دانستند. پس از این دیدار مهم ۳۰۰۰ نفر از علما در پی عملیات وعده صادق که با هدف تاقی جنایات رژیم صهیونیستی انجام شد با انتشار نامه‌ای از رهبر انقلاب و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دلیل این اقدام قدرانی کرده و اعلام داشتند: «ضمن تقدیر رفاقر از بیانات روشن‌گرانه و خطبه‌های دشمن شکن حضرتعالی در نماز جمعه اخیر تهران و تجدید پیمان با آریان‌ها‌های امام‌راحم (ره) و شهدای والا مقام و پیروی از آن قائد عظیم، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از عملیات فخرمند وعده صادق از آن قائد عظیم، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از عملیات فخرمند وعده صادق از آن قائد عظیم، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از عملیات فخرمند وعده صادق از آن قائد عظیم، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از عملیات فخرمند وعده صادق از آن قائد عظیم، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از عملیات فخرمند وعده غاصب و کودک‌کش به محضر آن رهبر فرزانه و فرماندهان و مجاهدان‌های سبیل الله اعلام می‌داریم.» این مصادیق نشانگران است که دسیسه‌های دشمنان برای ایجاد

فرهنگیگان

فرهنگیگان

سه شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۳

شماره ۴۲۴۷

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

اختلافات مذهبی، نه‌تنها در فضای رسانه‌ای و مجازی، بلکه در میدان عمل نیز با شکست مواجه شد و هوشیاری جامعه اهل سنت و همکاری نیروهای امنیتی و فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در خنثی‌سازی این تهدیدها داشت.

نامۀ ۳۰۰۰ نفر از شخصیت‌های برجسته اهل سنت

با کدام ارزش خبری سانسور می‌شود؟

۳ هزار نفر از علمای اهل سنت خطاب به رهبر انقلاب نامه نوشته‌اند تا مراتب قدرانی و حمایت خود را از عملیات پیروزمانده وعده صادق ۱۲ اعلام کنند. اما سهم این ۳۰۰۰ نفر حتی به اندازه یک خبر ولو انتقادی نیز در رسانه‌های فارسی زبان خارج نشین نبود. رسانه‌هایی که از ۱۲۰۱ تاکنون هر زمان یک تک جمله ضدمنافع ملی در صحبت‌های یک شخصیت اهل سنت پیدا کرده‌اند به ۱۰ مدل مختلف پایش تولید محتوا کرده و در حجم انبوه بازتاب داده‌اند تا بتوانند برای آن شخصیت مرجعیت‌سازی کرده و برای به راه انداختن جنگ داخلی در این تریبون استفاده کنند. این استانداردهای رسانه‌ای که بین مولوی عبدالحمید و سایر شخصیت‌های اهل سنت و برجسته کشور تمایز قائل می‌شود به قدری دوگانه و متناقض شده که دیگر ارزش خبری به‌طور کلی در آن رنگ باخته است. تاحدی که این رسانه‌ها حتی برای کم ارزش جلوه داده‌نامه ۳۰۰۰ نفر از علمای اهل سنت نیز تلاش نمی‌کنند. البته این ۳۰۰۰ نفر به قدری سرمایه اجتماعی و آبروی مردمی در پشتبانه خود دارند که برای رسانه‌های غربی صرفه نداشته باشد با خبر انتقادی، خود را در تقابل با آنها قرار دهند لذا ترجیح می‌دهند از کنار آن عبور کرده و خبری به این مهمی را نادیده بگیرند. همان‌طور که در طی یک سال اخیر کشتار ۴۰ هزار فلسطینی و در شب‌های اخیر کشتار ۱۰۰۰ لبنانی را نادیده می‌گیرند. رسانه‌های فارسی زبان مخالف جمهوری اسلامی، در طی سال‌های اخیر اصلی‌ترین ابزار جریان صهیونیستی برای ترویج تفرقه و ایجاد شکاف مذهبی بوده‌اند و ارزش‌های خبری‌شان نیز بر همین اساس تعیین می‌شود و اصول حرفه‌ای فعالیت خبری و رسانه‌ای، این رسانه‌ها با استفاده از تبلیغات و چهره‌سازی‌های هدفمند در میان اهل سنت، می‌کوشیدند این گونه القا کنند که جامعه اهل سنت ایران در تقابل با شیعیان و نظام قرار دارد. برخی شخصیت‌های نیز در این فضا به دلیل عدم درک صحیح از شرایط، خواسته یا ناخواسته به این پروژه کمک کردند و اظهار نظرهایی کردند که دستاویزی برای رسانه‌های معاند شد.

فرهنگیگان